

واکاوی آمارها و ریشه ها؛ خراسان رضوی در یک دهه گذشته، شاهد افت ۳۳ درصدی وصلت ها و افزایش ۱۲ درصدی جدایی ها بوده است

عقب نشینی ازدواج، پیشروی طلاق

گزارش روز



پیشگام

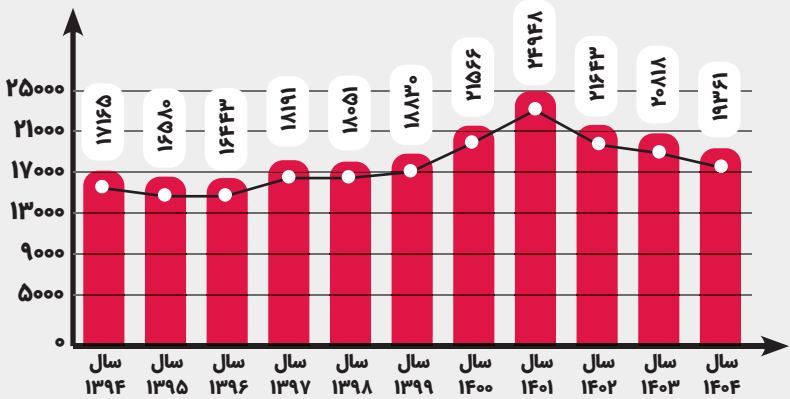
در خراسان رضوی، طی فقط یک دهه، شمار ازدواج ها نزدیک به ۲۰ هزار فقره کمتر و هم زمان، بیش از ۲ هزار طلاق به آمارها افزوده شده است؛ ضربه ای آرام و تدریجی، اما سنگین بر پیکر خانواده. آمارهای تازه منتشر شده ثبت احوال کشور نشان می دهد که در استان ما، ازدواج از ۶۰ هزار و ۴۷۲ فقره در سال ۱۳۹۴ به ۴۰ هزار و ۴۷۵ فقره در سال ۱۴۰۴ سقوط کرده و طلاق از ۱۷ هزار و ۱۶۵ به ۱۹ هزار و ۳۶۱ فقره رسیده است. هرچند شمار جدایی های ثبت شده در چهار سال اخیر، سیر کاهشی داشته است، باز هم نسبت به سال مبدأ، یعنی همان سال ۱۳۹۴ افزایش طلاق را شاهد هستیم. این فراز و فرود رانمی توان صرفاً همچون بالا رفتن یک شاخص دید؛ این افت و خیز، نشان دهنده از درون تهی شدن بنیان خانواده است؛ ظرف یک دهه، آرام و بی صدا، انگار چیزی در جان رابطه ها تحلیل رفته است. همان رشته نادیدنی که زوج ها را به هم پیوند می داد و پس از آن، به ماندن و امی داشت، حالا انگار سست تر از همیشه شده است. برای درک بهتر موضوع، باید هم آمار و ارقام را دید و هم سراغ ریشه های سست شدن بنیان خانواده رفت، پس ببینیم این تهی شدن از کجا شروع شده است و به کجا می رود.



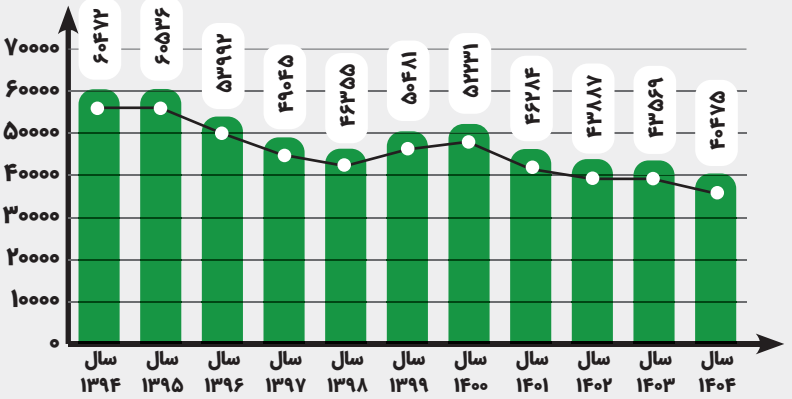
تغییر نسبت های وصلت و جدایی

اعداد ازدواج و طلاق در استان را اگر به زبان روزانه ترجمه کنیم، یعنی در خراسان رضوی، هر شبانه روز ۱۱۱ ازدواج ثبت می شود و ۵۳ طلاق؛ ۱۰ سال پیش این اعداد، شامل ۱۱۶ ازدواج و ۴۷ طلاق در هر روز بود. اگر کمی از خود عددها فاصله بگیریم و نسبت ها را نگاه کنیم، تصویر روشن تر و شاید نگران کننده تر می شود. در سال ۱۳۹۴، به ازای هر طلاق، بیش از سه ازدواج ثبت می شد؛ یعنی کفه «ساختن» هنوز به وضوح سنگین تر از «ازهم پاشیدن» بود. خانواده، با همه دشواری ها، هنوز در مجموع رو به شکل گیری داشت و جریان زندگی، هرچند کند، اما پیش رونده بود. ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۴۰۴، این نسبت به حدود دو ازدواج در برابر هر طلاق رسیده است؛ فاصله ای که روزگاری، حاشیه امنی برای دوام خانواده به حساب می آمد، حالا پاریک تر شده است؛ آن قدر که گاهی می شود لرزشش را حس کرد. در این میان، آنچه تغییر کرده، وزن ماندن و رفتن در زندگی آدم هاست. گویی تصمیم به شروع، سخت تر شده است و تصمیم به پایان، سهل تر.

سیر ازدواج استان در یک دهه (فقره)



سیر طلاق استان در یک دهه (فقره)



خراسان رضوی؛ بحرانی تر از کشور

حکایت از آن دارد که لشکر مجرد های کشور از ۱۲/۶ میلیون نفر در سال ۱۴۰۳ به ۱۳/۶ میلیون نفر در سال ۱۴۰۴ رسیده است. همچنین بیش از ۷/۲ میلیون و نیز بیش از ۹/۳ میلیون مرد زن زیر ۴۰ سال، هرگز رخت عروسی به تن نکرده اند. نسبت ها اما تلخ تر از اعداد خام هستند. در سال ۱۳۹۴، به ازای هر طلاق در کشور، بیش از چهار ازدواج ثبت می شد. ۱۰ سال بعد، این نسبت به کمتر از ۲/۵ ازدواج در برابر هر طلاق رسیده است؛ یعنی فاصله «ساختن» و «ازهم پاشیدن» در سطح ملی نیز دارد مانند خراسان رضوی و باریک و باریک تر می شود.

دشوار شدن شرایط ازدواج

هزینه سنگین مراسم و مسکن و هزار الزام اقتصادی دیگر

نگرانی از ازدواج ناموفق

ترس از شکست پیش از شروع

رضایت از زندگی مجردی

چرا باید خطر کنم وقتی همین الان راحتم؟

انتظارات آرمان گرایانه از همسر آینده

هیچ کس به اندازه تخیلاتش، کامل نیست

پذیرش برابری جنسیتی (فقط در میان پسران)

هراس از برابر شدن نقش ها

اگر نگاه را از خراسان رضوی فراتر ببریم و به آمار کشور بنگریم، تصویر چندان متفاوت نیست؛ فقط مقیاسش بزرگ تر شده است. سال ۱۳۹۴، در سراسر ایران، نزدیک به ۶۸۵ هزار ازدواج ثبت شده بود. ۱۰ سال بعد، در ۱۴۰۴، این رقم به ۴۲۱ هزار رسیده است. یعنی بیش از ۲۵۳ هزار ازدواج کمتر و کاهشی ۳۷ درصدی. از آن سو، طلاق در همین بازه از ۱۶۳ هزار به ۱۸۱ هزار فقره رسیده است؛ افزایشی نزدیک به ۱۸ هزار فقره ای و معادل حدود ۱۱ درصد.

این تغییرات سبب شده است که تعداد جمعیت مجرد های کشور هم، افزایشی بی سابقه داشته باشد. تازه ترین آمارهای منتشر شده

هزینه، ترس، توقع؛ مثلث افت ازدواج

اگر با عینک جامعه شناسان به مسئله کاهش ازدواج بنگریم، باید گفت که کاهش ازدواج فقط محصول گرانی و بیکاری نیست، این روند هم زمان از دل فشار اقتصادی، تغییر ارزش ها، افزایش فردگرایی و دشوارتر شدن تصمیم برای تعهد، بیرون آمده است. نکته ای که البته نباید از قلم بیفتد، موضوع کاهش جمعیت در سن ازدواج است؛ به باور برخی کارشناسان، کاهش تعداد جوانان در سن ازدواج، خودش به افت ثبت ازدواج، کمک کرده است.

مرکز پژوهش های مجلس نیز در گزارشی با بررسی داده های ثبت احوال و مرکز آمار ایران، به این نتیجه رسیده است که هزینه سنگین مسکن، بیکاری و نداشتن تمکن اقتصادی، نه تنها ازدواج را به تأخیر می اندازد، بلکه استحکام خانواده های موجود را نیز تحت الشعاع قرار می دهد.

اقتصاد، ارتباط، فرهنگ؛

مثلث افزایش طلاق

از نگاه جامعه شناسان، افزایش آمار طلاق، حاصل یک علت واحد نیست، بلکه برآیند فشارهای اقتصادی، فرسایش روانی و عاطفی، تغییر انتظارات از زندگی مشترک و کاهش ظرفیت تحمل در روابط زناشویی است؛ به این معنا که طلاق، بیش از آنکه یک رخداد فردی باشد، به نشانه ای از تغییرات عمیق تر در ساختار خانواده و مناسبات اجتماعی تبدیل شده است. بازوی پژوهشی مجلس هم در گزارشی، سیاست گذاری ها برای کاهش طلاق در ایران را «پسینی و ترمیمی» ارزیابی کرده است؛ یعنی قانونگذار تنها پس از شکل گیری بحران به فکر چاره می افتد. مهم ترین یافته گزارش اما به مشاوره های اجباری حین طلاق بازمی گردد؛ زوج هایی که در آستانه جدایی هستند و چالششان به اوج رسیده است، ناگهان مجبور به مشاوره می شوند، درحالی که فاقد هرگونه مهارت نگرشی و رفتاری اند. گزارش تأکید می کند مشکلاتی مانند انتخاب نادرست همسر، تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، فقر یا اعتیاد با چند جلسه مشاوره در آستانه طلاق حل نمی شود. گزارش همچنین از «ناکارآمدی نهاد داوری» می گوید؛ جایی که دادگاه، داورانی را تعیین می کند که نه از آشنایان زوج ها هستند، نه مشاور تخصصی خانواده. علاوه بر این، از نگاه پژوهش های تازه ای مانند «عوامل مؤثر بر طلاق طی ۱۰ سال گذشته در ایران» یا فراتحلیل مطالعات ثبت شده در دهه اخیر نیز طلاق پدیده ای است که ریشه هایش را باید در فشار اقتصادی، فرسایش مهارت های رابطه و دگرگونی های فرهنگی در ساختار خانواده جست. با استناد به یافته های این پژوهش ها، مهم ترین این عوامل را می توان این طور برشمرد:

فشار اقتصادی و بیکاری

اصلی ترین دلیلی که زنان برای جدایی بیان می کنند، «شکست اقتصادی همسر» است. بیکاری مرد، نداشتن درآمد کافی و فقر، از مهم ترین عوامل طلاق در یک دهه اخیر بوده اند.

نبود تفاهم و سازگاری

مشکلات ارتباطی، خشونت کلامی و جسمی، خیانت و دخالت اطرافیان و خانواده ها، از جمله عواملی هستند که مدام در پژوهش های طلاق تکرار می شوند.

آسیب های فردی همسر

عواملی مانند اعتیاد، خساست، بیماری های مزمن یا سبک زندگی پرخرج خانواده همسر.

تغییر ارزش های فرهنگی

این تغییر، افزایش فردگرایی، سکولاریزاسیون (دنیوی گرایی) و نگاه برابری طلبانه تر جنسیتی را شامل می شود.

انتظارات غیرواقعی

رؤیای پردازی و توقعات آرمانی که با واقعیت زندگی مشترک، همخوانی ندارد.

انتخاب نادرست

ازدواج های شتاب زده، مبتنی بر آشنایی های سطحی و نبود بلوغ عاطفی و جنسی در زمان ازدواج، پایه های رابطه را سست می کند.

پیشگیری، آموزش، حمایت؛ ۳ ضلعی راهکارها

پژوهشگران حوزه خانواده در سال های اخیر، بارها از راهکارهای کاهش طلاق و افزایش ازدواج گفته اند؛ راهکارهایی که در چند سرفصل مشترک، خلاصه شده اند؛ حرکت از سیاست های «پسینی» به «پیشگیرانه» (آموزش مهارت های زندگی از مدرسه)، اجباری و رایگان کردن مشاوره پیش از ازدواج، تسهیل وام ازدواج و مسکن حمایتی، کارآمد کردن نظام مشاوره خانواده، و اصلاح فرهنگ ازدواج سخت به ازدواج آسان. بدون اجرای هم زمان این بسته، نه آمار ازدواج افزایش می یابد و نه آمار طلاق کاهش.

منابع

«مسئله اجتماعی افزایش سن ازدواج در ایران: عوامل و زمینه ها»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، زمستان ۱۴۰۳.
«مدل ازدواج ایده آل: مطالعه زوجین ساکن مشهد»، فصلنامه مطالعات فرهنگی خراسان، زمستان ۱۴۰۳.
«عوامل مؤثر بر طلاق طی ۱۰ سال گذشته در ایران»، نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت، تابستان ۱۴۰۴.
«سیاست های کاهش طلاق در کشور: تحولات قوانین طلاق»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، آبان ۱۳۹۸.